

# توافق راهبردی ایران و چین؛ تشکیل جبهه ای متحد از کشورهای مستقل قدرتمند و با جمعیتی که برای آمریکایی‌ها وحشت انگیز است

به گزارش شبکه اطلاع رسانی هرمز؛ جواد بیژنی تحلیلگر مسائل سیاسی هرمزگان در یادداشتی در خصوص توافق راهبردی ایران و چین نوشت: امروزه یکی از سوژه های و پرتکرار در شبکه های اجتماعی، نقد بر توافق راهبردی ایران و چین است. نگارنده معتقد است که، نقدها را باید به فال نیک گرفت، اساساً حساس شدن ذهن جامعه نسبت به سرنوشت کشور جای خوشحالی دارد و این حق جامعه است. کاش در قضیه برجام هم این گونه رفتار می کردیم، گرچه این حساسیت نیز، خود یکی از دستاوردهای برجام است.

اما چند نکته:

۱. ذهنیت تاریخی ما ایرانی ها نوعاً نسبت به قرارداد ها و توافقی‌های بزرگ مثبت نیست، که آنهم به دلیل رودست خوردن از طرف مقابل و ساده اندیشی های طرف خودی بوده است، از گلستان و ترکمنچای بگیر تا قضیه آزادسازی گروگان ها و برجام

۲. برخی ها اندیشیده اند که اصولاً انقلاب اسلامی نسبت به دیپلماسی و ارتباط با جهان نظر مساعدی ندارد در حالی که به هیچ وجه این چنین نیست، تنها ملاحظه انقلاب اسلامی رابطه عزتمندانه و نفی سلطه است.

نقد تاریخی ما به ۲۰۰ سال ارتباط یکسویه با غرب دقیقاً به همین دلیل است، چرا که غرب در پوشش استعمار همه تلاش خود را برای سلطه و رابطه ای برد-باخت تنظیم کرده بود. ارتباط ازمنظر تمدنی قدرتمند و درحال صعود(غرب) با کشوری باوجود سابقه تاریخی و دارای منابع و استعداد اما ضعیف، خودباخته و روبه افول.

باوجود مشکلات فراوان کجای انقلاب اسلامی به این وضع شبیه است؟

۳. توصیه همیشگی رهبران انقلاب اسلامی ارتباط با جهان و کشورهای مستقل بوده است.(چه باید کرد که برخی‌ها جهان را در چند کشور محدود استکباری و زورگو خلاصه می کنند)

۴. آیا به راستی سطح دشمنی و تضاد منافع نزدیک به ۷۰ ساله آمریکا با ما، با کشور مستقلی مثل چین قابل مقایسه است؟

۵. متأسفانه به دلیل ضعف ما در گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی را بد معنا کرده‌ایم، یکی از بندهای مهم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ارتباط با کشورهای مستقل است.

۶. برخی نیز پنداشته‌اند که این ارتباط مغایر با شعار نه شرقی نه غربی انقلاب اسلامی است، در حالی که آن شعار یک ایده ایدئولوژیک بود نه جغرافیایی.

آن شرق ایدئولوژیک با فروپاشی شوروی به تاریخ پیوست (۳۰ سال پیش) و این شرق جغرافیایی اتفاقاً از نظر سبک زندگی و اقتصادی نسبتاً غربی شده است اما غربی که با غرب سنتی سلطه‌گر تضاد منافع دارد.

۷. توصیه می‌کنم ضمن حساسیت نسبت به مفاد توافق، به این بیندیشید که شکستن آقای دلار در عرصه اقتصادی (طبق مفاد توافق) و تشکیل جبهه‌ای متحد از کشورهای مستقل قدرتمند و با جمعیتی که برای آمریکایی‌ها وحشت‌انگیز است (چین، هند، ایران، روسیه...) آیا انگیزه کافی برای تخریب این توافق در رسانه‌ها و افکار عمومی نیست؟

انتهای پیام/